

*مراتب قرب الهی و الگوهای خداجویان

اندازه ضمیمه

۴۶۴.۷۵ کیلو بایت [۱.pdf](#)

معرفت سال بیست و یکم - شماره ۱۷۵ - تیر ۱۳۹۱، ۹-۵

چکیده

این مقاله حاصل قلمی شده درس اخلاق استاد علامه مصباح و شرحی بر دعای مناجات المریدین امام سجاد علیه السلام است. در فراز پایانی این دعا، هدف برتر و نهایی انسان، که فراتر از سعادت دنیوی و خوشی و لذت های اخروی است، قرب و رضوان الهی معرفی شده است. تقرب به خدا، به عنوان هدف برتر، دارای دو مرتبه است: مرتبه پایین تقرب به خداوند و بهره مندی از مقاماتی که از لوازم تقرب به خدا به شمار می آیند. در این مرحله، انسان از نعمت های بهشتی بهره مند می شود. در مرتبه عالی تر، هدف و غایت، تقرب و رضوان الهی است. این مرحله، اوج شیدایی بنده واصل به معبود خویش است. در این مرتبه، هیچ چیزی جز همنشینی و رضوان الهی برای بنده واصل مهم نیست.

کلیدواژه ها: قرب الهی، رضوان، مناجات، مراتب تقرب.

* این متن حاصل قلمی شده درس اخلاق استاد علامه مصباح در دفتر مقام معظم رهبری در قم می باشد.

اهمیت نگرش به ادعیه و مناجات ها

ادعیه و مناجات های ائمه اطهار علیهم السلام دربرگیرنده عالی ترین مضامین عرفانی و معرفتی است و به جهت نقش بی بدیل آنها در رشد و تعالی علمی و معنوی انسان، بزرگان ما اهتمام وافری به آنها داشتند و بخش قابل توجهی از وقت خود را صرف خواندن و تدبیر در دعاها و مناجات ها می کردند. از شمار آن بزرگان و شخصیت های برجسته عالم اسلام می توان به امام خمینی قدس سره اشاره کرد. شخصیتی که به جرئت می توان گفت از حیث جامعیت علمی و عملی در دوران غیبت امام زمان (عج) بی نظیر است و به تمام ابعاد اسلام در حد کمال آشنایی داشت. ایشان در رشته های علمی مربوط به اسلام، نظیر عرفان، فلسفه، فقه و اصول در حد عالی تخصص داشتند و به آموزه های اسلامی در زمینه های فردی و اجتماعی کاملاً آشنا بودند و برای پیاده کردن آن آموزه ها تلاش فراوانی از خود نشان دادند. ابعاد سیاسی، مبارزاتی و فقهاتی آن بزرگوار برای همه مسلمانان، علما و دانشمندان شناخته شده است. بخصوص قدرت رهبری ایشان برای دوست و دشمن آشکار گشته است. اما برخی از ابعاد آن شخصیت بزرگ کمتر مورد توجه قرار گرفته است. یکی از ابعاد شخصیتی حضرت امام قدس سره که کمتر به آن پرداخته شده است، بُعد عرفانی و توجه خاص ایشان به دعاها و مناجات های وارده از سوی معصومان علیهم السلامو

اهمیتی است که ایشان برای آنها قایل بودند. ایشان مکرر در درس اخلاق خود می فرمودند که دعاهای ائمه اطهار علیهم السلام قرآن صاعد هستند. قرآن کلام نازل از سوی خداوند و برای بندگان خدا نازل گشته است و دعاها سخنانی است که بر زبان ائمه اطهار علیهم السلام جاری گشته و به سوی خداوند و به سوی عرش خداوند بالا می روند.

آن بزرگوار وقت قابل توجهی از خود را حتی در سخت ترین شرایط به تلاوت قرآن و ادعیه اختصاص می دادند. چنان که فیلمی که از روزهای پایانی عمر شریف آن رهبر یگانه تهیه شده نشان می دهد که چگونه ایشان با وجود شرایط وخیم جسمی و رنج و سختی های طاق فرسای بیماری، اهتمام جدی به قرائت قرآن، اقامه نماز و خواندن ادعیه داشتند و در ساعات هشیاری وقت خود را به خواندن نماز، قرآن و دعا سپری می ساختند.

مراتب تقرب به خداوند

با توجه به اهمیت ادعیه و مناجات های وارده از سوی حضرات معصومین علیهم السلام و معارف بلندی که در آنها وجود دارد، ما محور مباحث خود را مناجات خمس عشر قرار داده ایم. در ادامه مباحث، در طی چند جلسه اخیر، فرازهایی از مناجات مریدین را از نظر گذراندیم. در یکی از آنها، فراتر از خوشی ها و سعادت دنیوی و حتی فراتر از خوشی و لذت های اخروی، قرب و وصول الی الله به مثابه هدف برتر و نهایی انسان معرفی شده بود. هدفی که پس از نیل بدان، انسان حجاب و حایلی بین خود و خدا نمی یابد و کاملاً خود را در جوار خدا و در محضر او می یابد. البته تقرب به خداوند به عنوان هدف برتر دارای دو مرتبه است: مرتبه پایین تقرب به خداوند، درخواست بهره مندی از مقاماتی است که لوازم تقرب به خداوند به شمار می آیند. در این مرتبه، انسان برای اینکه از بهشت و نعمت های بهشتی؛ نظیر خوراکی ها، کاخ ها و همسران بهشتی که در قرآن و روایات توصیف شده اند، بهره مند گردد، در جست و جوی تقرب به خداوند برمی آید. در واقع، در این مرتبه، مطلوب اصلی انسان قرب الهی نیست، بلکه مطلوب اصلی او دسترسی به آن نعمت هاست. خداوند را برای آنکه وی را از آن نعمت ها برخوردار سازد، می خواهد و برای رسیدن به قرب او و جلب رضایت او تلاش می کند. نظیر کسی که با دیگری طرح دوستی می ریزد تا از موقعیت و امکانات او استفاده کند و دوستی و رفاقت او وسیله ای برای رسیدن به منافع و خواسته هایش می باشد. اما در مقابل کسی با دیگری طرح دوستی می ریزد و آن دوستی و رفاقت به جهت محبت و علاقه ای است که به دوست خود دارد و چنان در این دوستی ثابت قدم و استوار است که حتی اگر منفعتی نیز از دوستش به وی نرسد، خللی در رفاقت و دوستی او پدید نمی آید؛ زیرا او برای آن رفاقت اصلت قایل است و آن را وسیله ای برای تأمین منافع خود قرار نداده است.

دوستی خالصانه خداوند و عاری از انگیزه های نفسانی و منفعت جویانه، در برخی از روایات انگیزه مرتبه عالی عبادت و پرستش خداوند معرفی شده است. امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید: «الْعِبَادَةُ ثَلَاثَةٌ: قَوْمٌ عَبَدُوا اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ خَوْفًا فِتْلِكَ عِبَادَةُ الْعَبِيدِ، وَقَوْمٌ عَبَدُوا اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى طَلَبَ الثَّوَابِ فِتْلِكَ عِبَادَةُ الْأَجْرَاءِ، وَقَوْمٌ عَبَدُوا اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ حُبًّا لَهُ فِتْلِكَ عِبَادَةُ الْأَخْرَارِ، وَهِيَ أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ»^۱ عبادت کنندگان سه گروه اند: ۱. گروهی که خدای عزوجل را از ترس (عذاب جهنم) عبادت می کنند و این عبادت بردگان است. ۲. گروهی که خدای تبارک و تعالی را به طمع ثواب و پاداش عبادت می کنند و این عبادت مزدوران است. ۳. گروهی که خدای عزوجل را از روی دوستی و محبت خالصانه به او عبادت می کنند و این عبادت آزادگان و بهترین عبادت است.

الگوهای شایسته خداجویان در کلام امام سجاد علیه السلام

در این مناجات، که سخن از نعمت های عادی بهشتی، نظیر حورالعین، کاخ ها و غذاهای بهشتی به میان نیامده و از قرب الهی، رضایت خداوند، دیدار با معبود و انس با او و لذت بردن از مناجات با آفریدگار همه خوبی ها و زیبایی ها سخن به میان آمده، از یک سو بندگان خاص خدا که دارای همتی بلند و عالی اند به ما معرفی شده اند. از سوی دیگر، برترین الگو و سرمشق

برای زندگی سعادت مندانه در اختیار ما نهاده شده است. حضرت به ما گوشزد کرده اند که الگو و سرمشق ما و بهترین بندگان خدا کسانی نیستند که با هدف رسیدن به نعمت های بهشتی و کام جویی از لذت های پایدار اخروی خدا را بندگی می کنند، بلکه الگو و سرمشق بی بدیل جویندگان کمال و تعالی کسانی هستند که به معرفت ناب خداوند نایل گشته اند و از زمزم صفات جمال و جلال الهی بهره مند گردیده اند. آنان که جز لقای دوست و انس با او را نمی جویند، حتی اگر رضای محبوب در حرمان از بهشت و سوختن در آتش جهنم باشد، با همه وجود به لوازم رضای محبوب تن می دهند. البته روشن است که سرسپردگان معبود از ناب ترین و عالی ترین فیوضات و الطاف رحمانی بهره مندند و خداوند هیچ گاه آنان را با شلاق قهر خود نمی نوازد. سخن در این است که آنان هیچ چیزی را بر رضا و لقای محبوب ترجیح نمی دهند. اوج تعالی و کمال آنان در وصال محبوب است. البته ما جلوه های رقیق و کم رنگی از آن محبت و عشق ناب را در محبت های دنیوی نیز مشاهده می کنیم. محبت بی شائبه و بدون چشمداشت مادران به فرزندان خویش از این جمله است که وجودشان سرشار از عشق و محبت به فرزندان است. نه تنها این محبت را بهانه ای برای تأمین توقعات و انتظارات خود نساخته اند، بلکه حتی اگر از سوی فرزندشان بر آنان شرر و بلا ببارد، از آن محبت کاسته نمی شود و بی مهری های فرزند را با مهر و عاطفه مادرانه پاسخ می گویند. آنان که طعم محبت بی شائبه مادر به فرزند را چشیده اند، بهتر می توانند عظمت محبت اولیای خدا به معبود را - که در این مناجات خداجویان لقب گرفته اند - بشناسند. محبتی که در پرتو آن، همه راه هایی که به غیر معبود منتهی می شود به روی خود بسته اند و تنها راه وصول به معبود را به روی خویش گشوده داشته اند و از معبود و محبوب خویش می خواهند که دستشان را بگیرد و از کوتاه ترین و کم خطرترین راه آنان را به فیض لقای خویش نایل سازد.

«أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَنِي مِنْ أَوْفَرِهِمْ مِنْكَ حَظًّا، وَأَعْلَاهُمْ عِنْدَكَ مَنَازِلًا، وَأَجْزَلِهِمْ مِنْ وَدَّكَ قِسْمًا، وَأَفْضَلِهِمْ فِي مَعْرِفَتِكَ نَصِيبًا، فَقَدْ انْقَطَعَتْ إِلَيْكَ هِمَّتِي، وَأَنْصَرَفَتْ نَحْوُكَ رَغْبَتِي، فَأَنْتَ لَا غَيْرُكَ مُرَادِي، وَلَكِ لَا لِسِوَاكَ سَهْرِي وَسَهْرِي، وَلِقَاؤُكَ قُرَّةَ عَيْنِي، وَوَسْلُكَ مَنِي نَفْسِي، وَالْيَكِ شَوْقِي، وَفِي مَحَبَّتِكَ وَهْجِي، وَالِي هَوَاكَ صَبَابَتِي، وَرِضَاكَ بُغْيَتِي، وَرُؤْيُوكَ حَاجَتِي، وَجَوَارِكَ طَلْبِي، وَقُرْبِكَ غَايَةَ سُؤْلِي، وَفِي مُنَاجَاةِكَ رُوحِي وَرَاحَتِي، وَعِنْدَكَ دَوَاءَ عِلَّتِي، وَشِفَاءَ غَلَّتِي، وَبَرْدُ لَوْعَتِي، وَكَشْفُ كُرْبَتِي، فَكُنْ أُنِيسِي فِي وَحْشَتِي، وَمُقِيلُ عَثْرَتِي، وَغَافِرُ زَلَّتِي، وَقَابِلُ تَوْبَتِي، وَمُجِيبُ دَعْوَتِي، وَوَلِيُّ عِصْمَتِي وَمُعْنِي فَاقَتِي، وَلَا تَقْطَعْنِي غَنَكِ، وَلَا تُبْعِدْنِي مِنْكَ، يَا نَعِيمِي وَجَنَّتِي، يَا ذُنْيَايَ وَأَخْرَتِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ»؛ از تو ای معبودم درخواست می کنم که از بین آنان بهره فراوان تری از فضل خود نصیبم کنی، و منزلتم را نزد خود بالاتر از آنان قرار دهی، و سهم مرا از دوستی و محبت خودت بزرگ تر و نصیبم را از معرفت به خودت افزون تر گردانی، که ای خدای بزرگ، توجه من از غیر تو منقطع و به تو معطوف گشته است و دلم تنها مشتاق توست. تنها تو مقصود منی، و تنها از شوق توست شب بیداری و کم خوابی من، و لقای تو نور دیدگانم، و مقام وصال تنها آرزوی من است. شوق و اشتیاق من به سوی توست، و سرگشته و واله محبت تو و دل باخته هوای توام. خشنودی تو مقصد نهایی من است و به مشاهده تو سخت نیازمندم، و نعمت جوار تو مطلوب من، و مقام قرب تو منتهای خواهش من است، و حال مناجات با تو فرح و آرامش خاطر من است و دوی دردم و شفا بخش دل سوزانم و تسکین بخش آتش درونم و زایل کننده غم و اندوهم نزد توست. پس در هنگام بیم و وحشت تنهایی مونس من باش، و از لغزش هایم در گذر، و زشتی های رفتارم را ببخش، و توبه ام را بپذیر و دعایم را اجابت کن و در برابر گناهان و لغزش ها یاریگر و نگهبان من باش، و فقر و نیازم را برطرف ساز، و رشته اتصالم به خود را قطع نگردان، و مرا از خود دور نساز، ای تو نعمت و بهشت و دنیا و آخرت من.

اوج نجوای روح شیدایی بنده واصل با معبود خویش

بخش پایانی مناجات با مغازله و معاشقه، آمیخته است. حضرت در نجوای رمزگون خود از خداوند می خواهند که ایشان را در سلک پیشگامان طریق کمال و قرب خویش قرار دهد. بلکه منزلت و مقامی فراتر از آنان به ایشان عنایت کند و بیش از دیگران آن حضرت را به مراتب عالی محبت و عرفان خویش نایل گرداند. آن گاه برای اینکه حال خود نسبت به معشوق و معبود را بیان کنند، پرده از راز دل شیدایی و اسیر جلوات رحمانی می گشایند و می فرمایند، خدایا همت^۲ و علاقه و توجه من تنها به تو جلب گشته است و من تنها به تو رغبت دارم. گاهی انسان اصالتا به چیزی علاقه مند است و علاقه او به لوازم و مقدمات آن

چیز فرعی و به تبع علاقه به آن چیز است. اما گاهی علاقه و توجه انسان به کسی یا چیزی چنان شدت می یابد که سراسر دل انسان را فرامی گیرد و همه توجه انسان منحصر در محبوب می شود و محبت و توجه به غیر در شعاع محبت به محبوب خواهد بود. بدین معنا که سوای محبوب، حتی به عنوان تابع محبوب که محبت به او به تبع محبت به محبوب باشد مطرح نیست، بلکه محبت و توجه انسان یک پارچه متوجه محبوب است و آن گاه شعاع محبت محبوب به مقربان به محبوب می تابد و آنان نیز در شعاع محبت به محبوب قرار می گیرند.

ما در زندگی به امور گوناگونی توجه و اهتمام داریم. چنان نیست که علاقه و توجه ما متمرکز بر یک چیز گردد. اما حضرت در بیان خود که جنبه تعلیمی برای دیگران نیز دارد می فرمایند: خدایا، اهتمام و توجه من منحصر در تو گشته است؛ یعنی آن حضرت به مرتبه ای از تعالی و کمال و تقرب به خداوند نایل گشته اند که غیرمعبود نمی تواند برای ایشان جلوه گری داشته باشد و دل ایشان را به خویش جلب کند. با توجه به این مرتبه از تعالی و کمال است که از خداوند می خواهند که سهم ایشان از معرفت و محبت خود را بیش از دیگران قرار دهد.

خداوندا، تو مراد و خواسته من هستی و اراده من فقط به تو تعلق گرفته است، نه به چیز دیگر، و به هوای کوی تو و عشق جوار تو و تنها برای تو به شب زنده داری می پردازم و چنان نیست که طمع بهشت و یا ترس از جهنم مرا به عبادت و بندگی وادارد و انگیزه ای جز تو و نیل به مقام قربت برای بندگی، عبادت و نجوای شبانه ندارم. خداوندا، روشنی چشم من در دیدار و ملاقات توست و با دیدار تو به آرامش ابدی دست می یابم.

خداوندا، وصال تو آرزوی دل من است و آرزو دارم به مقامی از قرب و وصال تو برسم که دیگر هیچ واسطه ای بین من و تو نباشد. خداوندا، شوق و اشتیاق من به سوی توست نه چیز دیگر و من واله،^۲ سرگشته، شیدا و دل باخته محبت توام. خداوندا، رضای تو مطلوب من است و مقصود من عشق ورزی به تو و تلاش هایم برای کسب رضایت و خشنودی توست. خداوندا، قرب و دیدار تو نهایت آرزو و خواسته من است و راز و نیاز با تو دل خوشی و آرامش بخش دل من است و من جز آن، دل خوشی دیگری ندارم. خداوندا، دوی درد من نزد توست و تنها تو می توانی آتش درونم را خاموش کنی و غصه و اندوهم را فرونشانی.

در پایان مناجات حضرت می فرمایند: خداوندا، در هنگام تنهایی و روی گردانی از دیگران تو انیس و همدم من باش، و خطاها و لغزش هایم را ببخش، و توبه ام را بپذیر، و دعاهایم را اجابت کن. خداوندا، مرا از گناه حفظ کن و مصون بدار تا خود را بدان نیالایم. خدایا، مرا از خودت دور نساز، تو همه کس و همه چیز و بهشت من و دنیا و آخرت من هستی.

پی نوشتها:

^۱- محمدبن یعقوب کلینی، کافی، ج ۲، ص ۸۴، ح ۵.

^۲- همت در اینجا به معنای «همت» در فارسی که با پسوند «بلند» و «پست» ذکر می گردد نیست، بلکه به معنای علاقه و میل و عزم و اراده است.

^۳- «واله» و «وله» به مرتبه ای از محبت اطلاق می شود که موجب سرگردانی و تحیر است و بالاتر از این مرتبه و مرحله «هیام» است که بر عاشقی اطلاق می شود که دیوانه وار و مجنون صفت در پی معشوق می دود و عشق آتشین او را سرگشته کوی معشوق می کند.